

دلیلی برای دوست داشتن «کی‌روش»

معمار نسل طلایی

کی‌روش ۶۱ساله، شروعی فوق‌العاده در دنیای مربیگری داشت. او از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ سرمربی تیم جوانان و نوجوانان پرتغال بود و نسل طلایی فوتبال این کشور را ساخت. سال ۱۹۸۹ کی‌روش با بازیکنانی مثل ژائو پیتو، فرناندو کوتو و پائولو سوسا قهرمان جوانان جهان شد و همان سال تیم نوجوانان پرتغال را قهرمان اروپا کرد. او دوسال بعد، نوجوانانی را که قهرمان اروپا کرده بود به تیم جوانان آورد و دوباره قهرمان جوانان جهان شد. در آن تیم بازیکنانی مثل لوئیس فیگو، روی کاستا، آبل ژاویر و خورخه کاستا حضور داشتند که چندسال بعد به نسل طلایی پرتغال مشهور شدند و یکی از بهترین تیم‌های تاریخ فوتبال پرتغال را ساختند.

یک‌وزیر، ۱۱سرباز

نظم، نظم و نظم. تیم‌های کی‌روش بر پایه نظمی رسوخ‌ناپذیر ساخته می‌شوند. نظمیه که باعث می‌شود بیشتر از توانایی بازیکنان، نقش آنها در تیم مورد توجه باشد. کی‌روش ترجیح می‌دهد به جای استفاده از فیل و رخ و اسب صفحه شطرنجش، با سربازان یک رنگ و یک‌شکل بازی کند. به‌همین‌دلیل سرمربی فعلی ایران، با بازیکنان معمولی و یک‌دست بهتر از تیمی پرستاره و بی‌نظم نتیجه می‌گیرد. بعد از دیدن مسابقات تیم‌ملی در جام جهانی و جام‌ملت‌های آسیا و بررسی کارنامه این سرمربی پرتغالی، بیشتر از گذشته می‌توان

دلایل کی‌روش برای کنارگذاشتن رحمتی، خلعتبری و عقیلی را فهمید.

سقوط کهکشانی

رنال در دوره اول «کهکشانی‌ها»، مربیانی زیادی را به سانجاگو برنابئو آورد. مربیانی که هرکدام مقطعی روی نیمکت این تیم نشستند اما بعد از مدت کوتاهی بدون موفقیت این تیم را ترک کردند. کارلوس کی‌روش، اولین مربی‌ای بود که بعد از اخراج دل‌بوسکه هدایت کهکشانی‌ها را با حضور رونالدو، زیدان، فیگو و بکام بر عهده گرفت. او شروع خوبی در رنال‌مادرید داشت و نیم‌فصل اول را با صدرنشینی تمام کرد اما حاشیه‌های این تیم در نیم‌فصل دوم همه چیز را تغییر داد. تا هفته سی‌ام رنال هنوز مدعی اصلی قهرمانی محسوب می‌شد اما شکست در پنج‌بازی پایانی فصل، رنال صدرنشین را به رده چهارم فرستاد. کی‌روش اعتقاد داشت اصرار پرس روی مسایل تبلیغاتی و هم‌سطح نبودن ستاره‌های خط میانی و خط حمله با مدافعان نامطمئن، مدیریت تیم را از دست او خارج کرده بود. سرمربی پرتغالی رنال بعد از شکست در فینال جام حذفی مقابل ساراگوسا، از مربیگری این تیم کنار گذاشته شد.

نوسازی ایران

کی‌روش طی چهارساله‌ای که در ایران بود، شش‌بازیکن از ۱۱بازیکن اصلی تیم‌ملی را تغییر داد. علیرضا حقیقی جانشین مهدی رحمتی شد، وریا غفوری جای خسرو حیدری را گرفت، پژمان منتظری و مرتضی پورعلی‌گنجی جانشین هادی عقیلی شدند، محمد نصرتی جایش را به مهرداد پولادی داد و اشکان دژاگه و رضا قوچان‌نژاد جای زوج غلامرضا رضایی و کریم انصاری‌فرد را گرفتند. سردار آزمون، علیرضا جهانبخش، وحید امیری، سروش رفیعی، علیرضا بیرانوند، رامین رضاییان، وحید حمدی‌نژاد و احمد عبدالله‌زاده نسل‌بعدی بازیکنان موردنظر کی‌روش هستند. سرمربی پرتغالی تیم‌ملی در سه‌تورنمنت مهم روی نیمکت تیم‌ملی نشسته است. در مسابقات مقدماتی جام‌جهانی، ایران با شکست کره جنوبی در هر دویازی رفت‌وبرگشت بعد از حدود ۴۰سال توانست به‌عنوان تیم‌اول گروه به جام جهانی برسد. در مسابقات جام جهانی، ایران مثل دو جام ۱۹۷۸و ۲۰۰۶ فقط یک امتیاز گرفت و در مسابقات جام ملت‌های آسیا با وجود سه‌پیروزی در سه‌بازی ابتدایی، مقابل عراق متوقف شد و با شکست در ضربات پنالتی از جام کنار رفت. تیم‌ملی ایران پس از پایان این تورنمنت‌ها، تیم اول آسیا در رنکنینگ فیفاست. تیمی که پیش از حضور کی‌روش در رده چهارم آسیا قرار داشت.

ورزش

مسیر مطمئن

کی‌روش تا امروز با سه‌تیم از سه‌قاره مختلف به جام جهانی رسیده است. اولین‌باری که کی‌روش حضور در مسابقات مقدماتی جام جهانی را تجربه کرد سال ۱۹۹۳ بود. پرتغالی‌ها که در دوره‌های گذشته در رسیدن به جام جهانی و جام‌ملت‌های اروپا ناکام مانده بودند مربی تیم جوانانشان را به تیم بزرگسالان بردند تا شاید کی‌روش بتواند طلسم ناکامی‌های این کشور را بشکند. تیم کی‌روش تا هفته آخر مرحله گروهی جواز حضور مستقیم به جام جهانی را کسب کرده بود اما در بازی آخر، تک‌گل دینو باجو در بازی ایتالیا و پرتغال آرزوهای کی‌روش و بازیکنانش را بر باد داد. بعد از یک‌دوره حضور در باشگاه‌های پرتغالی، کی‌روش سال ۲۰۰۰ سرمربی آفریقای جنوبی شد و توانست با این تیم جواز حضور در جام جهانی ۲۰۰۲ را به‌دست آورد. تیم او در مرحله انتخابی از شش بازی پنج‌برد و یک‌مساوی کسب کرد و با اقتدار به جام جهانی رسید. آفریقای جنوبی در مرحله انتخابی فقط سه‌گل خورد. اختلاف کی‌روش با فدراسیون فوتبال آفریقا باعث شد او در مسابقات جام جهانی روی نیمکت این کشور نباشد اما موفقیت او در این مسابقات نظر الکس فرگوسن را جلب کرد تا او را به منچستریونایتد ببرد. کی‌روش سال ۲۰۰۹ با پرتغال به سهمیه حضور در جام جهانی رسید و سال ۲۰۱۳ ایران را به‌عنوان صدرنشین گروه و بهترین خط‌دفاعی در مسابقات انتخابی به جام جهانی برد.

دیوار چین

در کارنامه کی‌روش، سابقه حضور در دو جام جهانی وجود دارد. سرمربی پرتغالی تیم‌ملی سال ۲۰۱۰ با پرتغال به آفریقای جنوبی سفر کرد و چهارسال بعد به همراه ایران مسافر جام جهانی شد. او در مجموع هفت‌بازی در جام جهانی مربیگری کرده و در چهاربازی از این هفت‌بازی دروازه تیمش بسته مانده است. پرتغال در جام جهانی ۲۰۱۰ آماری شگفت‌انگیز ثبت کرد و به همراه اروگوئه تنها تیم‌هایی بودند که مرحله گروهی را بدون گل‌خورده تمام کردند. پرتغال بدشانس در مرحله یک‌هشتم‌نهایی به اسپانیا، قهرمان وقت اروپا، خورد و با تک‌گلی که ویا در شرایط مشکوک به آفساید وارد دروازه این تیم کرد از مسابقات حذف شد. کی‌روش با ایران هم در دو بازی ابتدایی آمار دفاعی خوبی داشت. او با صفر - صفر مقابل نیجریه اولین کلین‌شیت ایران در تاریخ جام‌های جهانی را ثبت کرد و در مقابل آرژانتین هم تا دقیقه ۹۰ توانسته بود دروازه تیمش را بسته نگه دارد. آماری که با خوردن سه‌گل در بازی آخر مقابل بوسنی خراب شد.

«نخست‌وزیر» فرگوسن

بخشی از طلایی‌ترین مقطع زندگی کی‌روش، دوران حضور او در منچستریونایتد است. کی‌روش بعد از جدایی از تیم‌ملی آفریقا در سال ۲۰۰۲، دستیار فرگوسن در منچستریونایتد شد. دستیاری که فرگوسن همیشه از او به‌عنوان «بهترین دستیارش» یاد می‌کرد. کی‌روش فصل ۳-۲۰۰۲ در منچستر بود و بعد از آن به‌عنوان سرمربی به رنال‌مادرید رفت. بعد از جدایی از رنال، صندلی کی‌روش در اولدترافورد هنوز انتظارش را می‌کشید. دستیار پرتغالی سر الکس، نقش مهمی در اوج‌گیری دوباره یونایتد پس از سلطنت سه‌ساله آرسنال ونگر و چلسی مورنیو داشت. منچستریونایتدی که با تانکبک‌ها و تئوری‌های کی‌روش دفاعی‌تر و منظم‌تر از همیشه شده بود توانست بعد از سه‌سال ناکامی دوباره قهرمان لیگ برتر شود. تغییر سبک بازی منچستر بی‌حاشیه هم نبود. بعضی از بازیکنان منچستر مثل روی کین کاپیتان این تیم، از تفاوت‌هایی که تمرینات و تانکبک‌های کی‌روش نسبت به مک‌لارن دستیار قبلی فرگوسن داشت ناراضی بودند. اختلاف‌هایی که بعد از پشتیبانی فرگوسن از کی‌روش در نهایت به جدایی کین منجر شد. منچستر با همین سبک بازی علاوه‌بر قهرمانی در لیگ برتر، در سال ۲۰۰۸ فاتح لیگ قهرمانان شد. منچستری‌ها در دو بازی رفت‌وبرگشت با بارسلونا، از روشی استفاده کردند که بعدها تیم‌های زیادی مقابل بارسلونا آن‌را به کار گرفتند، سپردن توپ به حریف و پرس سنگین از میانه زمین که اجازه خلق موقعیت به بارسای رایکارد را نمی‌داد. بعد از قهرمانی هم‌زمان منچستر در لیگ برتر و لیگ قهرمانان، کی‌روش شیاطین سرخ را برای نشستن روی نیمکت تیم‌ملی کشورش ترک کرد.

یک پیشنهاد

باکی‌روش و درباره کی‌روش حرف بزنیم

راه سوم: گفت‌وگو

عیسی عظیمی

اینک، روز داوری: خوب یا بد؟ فرشته یا شیطان؟ و حکم: بماند یا برود؟ بکشیم یا زنده‌اش بگذاریم؟ در مثل مناقشه نیست و ما ناگزیر از قضاوت، نشسته‌ایم پشت میز. با چکشی به دست، در لحظه اعلام رای. این، دوراهی ازل وابدی خیروشر است؟ ظاهرا که بله؛ وقتی حد میانه‌ای از منطق در میان نباشد. مربی ۶۱ساله، روی لبه تیز عشق و نفرت ایستاده و ما تیک کشیده‌ایم بر دیگرانی که حکمی غیر ما داده‌اند. جنگ در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد و انگار گریزی از ایستادن در یک‌سوی این کارزار نیست.

آورده کارلوس کی‌روش برای فوتبال ایرانی چیست؟ یک تیم خوب، از فوتبالی بد. خب این، باز به قضاوت آلوده است که گفتیم، اما فکت‌هایی هم هست، یکی‌اش اینکه هزارنفر برای استقبال از تیم بازنده او به فرودگاه امام می‌روند و روی پلاکاردها، میان «وی» و «کارلوس» قلب سرخی می‌گذارند که «استی ویلد آس!». تیم دوست‌داشتنی کارلوس قلب‌ها را تسخیر کرده است. دادستان‌ها هم اما، مدارک خودشان را دارند. چرا باید تیمی را دوست داشت که هیچ جاسی در هیچ‌تورنمننتی نگرفته؟ و اینکه با پولی که به او می‌دهیم چه‌کارها که نمی‌شود کرد و سلیقه را پل کنیم و بگذریم از نقد‌هایی که بر شیوه بازی تیم کی‌روش وارد است و فوتبال باتوپ و مال‌کانه را می‌پسندد، تا برسیم به اینجا که پرتغالی خوش‌تپ، حتی اگر قرار برآمدن‌اش صادر شود، روزهای دشواری پیش‌رو دارد.

از بازیگران صحنه هم بگوییم، در سویی کی‌روش، پشت سرش لشکر مردم، آن پشت‌ها هم کفایشانی که این‌دو را سپر کرده و ایستاده. در برابر منتقدانی که پرچمشان، دست امثال درخشان و قلعه‌نویی است و البته وزارتخانه‌ای که شمشیر را، روتر از همیشه، بسته برای برداشتن «مرد چهارمیلیون‌پوریوی». این صحنه‌آرایی، خطرناک‌تر از آن است که بوی صلح‌وصلاح از آن به‌مشام برسد. برای تسلیم‌نشدن اما، راه فرار از کلیشه‌ای منفور می‌گذرد: خرد جمعی.

این اما سخت‌ترین راه است، وقتی پرسیده شود کدام خرد؟ کدام جمع؟ و وقتی اعتدال پوستر بنفش رنگ‌ورفته‌ای است روی دیوار پس‌کوچه‌های خالی از گفت‌وگو. باز رسیده‌ایم به فوتبالی که در مناسبات تمام‌سنتی آن، جای بزرگ‌تری که حرف‌اش رجعت باشد خالی است و از دیگرسو نه چندان دموکراتیک شده‌ایم که بنشینیم و درباره کشودن را بن‌بست، حرف بزنیم و مهم‌تر، حرف بشنویم. این نکته هم که ماندن کی‌روش دروازه‌های بهشت را به رویمان باز نمی‌کند و با رفتن او جهنمی نمی‌شویم، بدیهی‌تر از آن است که پایان محکمی بر یک‌یادداشت باشد، اما عقل، هرچه دیر و هرچه دور، پناهگاهی ابدی است و از عقل ما اگر پرسیده باشید، بماند... و باهم حرف بزنیم.



نگاه منتقد

عملکردهای عمودی



بهمن فروتن

کارشناس و مربی فوتبال

ایستادن در مقابل رای اکثریت مردم، در طول تاریخ همیشه عواقب ناخوشایندی به‌همراه داشته است، ولی در قرن ۲۱ زمانی که سیاست، جهانی شده و نئولیبرال‌ها در سطح بین‌المللی امپراتوری‌های متفاوتی به‌وجود آورده‌اند که یکی از آنها امپراتوری رسانه‌ای است و کارش دستکاری ذهن و در نتیجه عقاید مردم است، سوال بسیار ساده‌ای به‌وجود می‌آید که وظیفه اپوزیسیون در مقابل این نوع سیاست‌ها و آرای دستکاری‌شده اکثریت مردم چیست؟ آن را قبول کند یا نکند؟ مساله بسیار بغرنجی است؛ برای ایستادن در مقابل نئولیبرالیسم، رای دستکاری‌شده اکثریت را باید قبول کرد یا نکرد؟ آنهایی که شرط‌نخ بازی کرده‌اند می‌دانند که در شرایط «آچمز» قرارگرفتن یعنی چه؛ اگر قبول نکنید، در مقابل مردم قرار می‌گیرید و اگر قبول کنید، تسلیم ترفندهای نئولیبرال‌ها شده‌اید؛ در حقیقت، نیروهای مرفقی هر جامعه، در این شرایط، هیچ شانس و اقبالی برای ایستادگی در مقابل سیاست‌های نئولیبرالی جهانی ندارند. به قضیه «داعش» نگاه کنید؛ بنیید دولت‌ها چگونه در شرایط «آچمز» قرار گرفته‌اند! اگر جنگ با داعش را به‌دلیل مشکلات اقتصادی داخلی و بحران‌های موجود قبول نکنند، با احساسات برانگیخته مردم‌شان که توسط رسانه‌های بین‌المللی از سربریدن‌ها و سوزاندن‌ها با اطلاع شده‌اند روبه‌رو می‌شوند و اگر قبول کنند، منافع این نوع سیاست‌های جهانی را برای مروجان همین نوع سیاست‌ها تأمین کرده‌اند. خب به نظر شما چکار باید کرد؟ آیا راه صحیحی وجود دارد؟ به داعش اهمیت ندهیم و اجازه پخش به سربریدن‌ها و سوزاندن‌ها را ندهیم، درحالی‌که جلوی اینترنت را نمی‌شود گرفت! اینکه سفارش ۸۵هواپیمای مدرن را به آمریکایی‌ها بدهیم البته، برای جنگ با داعش! خب برای تهیه این ۸۵هواپیمای کدام بودجه باید زد؟ بهتر است از بودجه ورزش، بهداشت و آموزش کم کنیم چون تأثیرات عینی‌اش کمتر است البته سرباز، مهمات و جنگ‌افزارهای لازم را هم باید روانه میدان‌های نبرد کرد. امسال طرح‌های راه‌سازی را در کل کشور مسکوت می‌گذاریم باز هم البته، هرچندسوال که این قضیه طول بکشد...! به این شکل، کشورها دچار بحران‌های سیاسی و اقتصادی می‌شوند و به ورطه ورشکستگی کشیده می‌شوند، هزاران هزار می‌میرند، ده‌هاهزار بی‌خانمان و ده‌هزارزاد دیگر آواره می‌شوند و نفت ارزان می‌شود تا مناسبات اجتماعی در شرق و غرب برهم‌ریخته شود و به کسی هم جرأت جیک‌زدن نمی‌دهند، چون همه اهرم‌ها دست خود نئولیبرال‌هاست تا هر کاری می‌کنند، بدون انتقاد و با رضایت و آرای خود مردم باشد؛ حالا سوال این است که تو چه‌کاره‌ای؟ تو به‌عنوان یک فرد مرفقی و آگاه بر این سیاست‌ها، واقعا چه‌کاره‌ای و چه‌کار می‌توانی بکنی؟ *همگام با مردم شوی و منتظر بمانی و ببینی که چه می‌شود؛ این آرامش‌بخش‌ترین راه‌هاست. در جهت پیشبرد سیاست نئولیبرال‌ها، هم‌رای مردمی شدن که ذهن‌شان دستکاری شده، راهی است رو به شهر و آبادی. *بی‌خیال‌شدن هم برای خودش راهی است. بی‌خیال! برو بابا تو هم! داعش دیگه چیه؟ بزار زندگی‌مون رو بکنیم! *و راه سوم اینکه شجاعت داشته باشی و جلوی سیاست‌های نئولیبرال‌ها و آرای به‌دست‌آمده یابستی، البته با تجزیه و تحلیل‌های منطقی و نه از روی حب و بغض. سخت است جلوی همه اهرم‌های رسانه‌ای که در دست نئولیبرال‌هاست یابستی و سیاست‌های آنها را افشا کنی و هم‌زمان سرکوفت مردم را هم بشنوی! این را می‌گویند راه سوم. راه سوم روندگان زیادی دارد هرچند راه سختی است، ولی رهروانش از سختی آن گله و شکایتی ندارند.

قضیه ۸۸درصد

اول از همه این سوال مطرح می‌شود که آیا یک میلیون و ۸۰۰هزارنفر ۸۸درصدمردم ایران را تشکیل می‌دهند؟ آیا با یک میلیون و ۸۰۰هزار رای می‌شود رئیس‌جمهور انتخاب کرد؟ و اگر یک میلیون و ۸۰۰هزارنفر از عملکردی اظهار رضایت کردند نشانه رضایت و خشنودی اکثریت مردم ایران است؟ بیش از ۲۰ میلیون تماشاگر، دوشنبه‌شب‌ها تلویزیون نگاه می‌کنند؛ آیا یک میلیون و ۸۰۰هزارنفر ۸۸درصد ۴ میلیون است؟ و سوال دیگر این است که آیا همه یک میلیون و ۸۰۰هزارنفر برای اظهارنظر درباره عملکردهای خاص، پیام کوتاه می‌فرستند یا عده قابل‌توجهی از آنها فقط برای بردن جایزه این کار را انجام می‌دهند؟ صدراعظم انتخاب کنید و «بی‌امو» ببرید! و باز هم سوال این است که در یک برنامه سه‌ساعته، هیچ تأثیری روی شرکت‌کنندگان گذاشته نمی‌شود اگر نتایج زودهنگام آرا پس از یک ساعت از گذشت برنامه مشخص شود؟ واقعا جای تعجب است که تیم‌ملی کشور در تورنمننتی بد بازی می‌کند و بین ۲۲ کشور سی‌ویکم می‌شود و در تورنمنت دیگری که باید قهرمان شود بدتر بازی می‌کند و ششم می‌شود ولی ۸۸درصد مردم این کشور از شکل بازی و نتیجه به‌دست‌آمده راضی و خشنود هستند! وقتی از یکی از همین رای‌دهندگان می‌پرسی به چه دلیل‌ها جواب می‌شونی چون مربی‌اش خوش‌تپ است و وقتی می‌پرسی کجای تیش خوش است می‌گویند همیشه یقه پیراهنش را باز می‌گذارد! این رای‌دهنده نمی‌داند که اگر یک مربی انگلیسی بیاید یقه پیراهنش را کیپ تا بالا می‌بندد و اگر یک مربی آلمانی بیاید صبح و شب و حتی در زمان خواب هم یک شلوار میخی آبی به تن می‌کند. ژان پل سارتر می‌گوید جامعه‌ای که راضی و خشنود است هرگز پیشرفت نمی‌کند و از حالا می‌فهمی فوتبالی که به کاکل و یقه پیراهن مربی‌اش وصل است و هرچقدر هم بد بازی کند و بد نتیجه بگیرد باز هم مردمانش راضی و خشنود هستند هرگز پیشرفتی نخواهد کرد.

وقضیه فوتبال عمودی

عادل فردوسی‌پور در گزارش بازی اتلنتیکو مادرید و بارسلون، گلویی‌ش را در پشتیبانی از تیم مادریدی پاره می‌کند چون می‌داند در برنامه ریزت‌از آگهی دویوز بعدش می‌خواهد تیم‌ملی ایران را با این تیم مقایسه کند و بگوید ما شبیه این تیم عمودی بازی می‌کنیم و نمی‌خواهیم مثل پارسا و امارات بد بازی کنیم. خوشبختانه با متأسفانه بعد از اینکه اتلنتیکو در دقیقه چهار به گل می‌رسد پارسا سه گل می‌زند و در خاتمه بازی را ۳ بر ۲ در زمین مادریدی‌ها می‌برد که اگر باخته بود واولیا بود و عادل در برنامه پیام کوتاهش بیشتر غوغا می‌کرد؛ عجیب است که درست یک هفته بعد، همین اتلنتیکو مادرید در مقابل رنال‌مادرید، بارسای بازی می‌کند و در دربی مادرید ۴ بر صفر برنده می‌شود. عادل اگر کمی با فوتبالی‌ها بچرخد و خودش را قطب اصلی و نقطه مرکزی و عامل محرکه فوتبال کشورش نداند پی می‌برد که نارضایتی تماشاگر، رسانه‌ها و خود بازیکنان اتلنتیکو از شیوه بازی‌شان و تغییر آن، نتیجه غیرمترقبه ۴ بر صفر در مقابل یکی از پیروزمندترین تیم‌های باشگاهی اروپایی است.